



Received:
2024/10/23

Revised:
2024/12/12

Accepted:
2025/02/04
p.p:23-57

ISSN:2717-3682
E-ISSN:2717-3690



Investigating the factors on the sustainable security of Amol city and providing appropriate solutions

Sfandiyar, Hamid Reza ¹ | Adibniya, Majid ²

Abstract

Undermining the sustainable security of the Islamic Republic of Iran—one of the most stable governments in confronting hard and semi-hard threats within the turbulent and high-tension region of West Asia—has persistently been pursued by foreign actors (the United States and its allies) and internal elements. This is achieved through destabilizing national security, controlling and preventing the augmentation of Iran's power components, and imposing or managing a diverse and intelligent spectrum of threats to drive the system's legitimacy into a dead end. Disruption and instability in the sustainable security of cities, especially those with specific geographic, cultural, political, and economic positions, affect the development and security of that region and pave the way for the spread of insecurity in the surrounding environment and, gradually, throughout the entire country. Therefore, this research, while enumerating the factors affecting the sustainable security of Amol City, presents strategies for achieving sustainable security along with the degree of impact and priority of each factor. In terms of its nature, the research is applied; regarding its execution process, it is quantitative, and the collected data were analyzed quantitatively. Its objective is descriptive-survey. The required information was gathered through library research and field studies using questionnaires. The results of this research indicate that to establish sustainable security, statesmen and governors must simultaneously consider a wide and diverse spectrum of cultural-social, economic, defensive and security, as well as geographical factors. The results and findings of this research clearly confirm that the hostile strategy of the adversary, led by the United States, prioritizes influencing the dual spheres of culture and economy in all dimensions and at all levels. It targets the lifestyle and quality of life of the Muslim populace, which it considers the main factor for the stability or instability of security, the disruptor of the system's legitimacy, and ultimately, the fulfiller of the enemies' objectives.

Keywords: Security, National Security, Sustainable Security, Power, Threat, Culture, Social Capital

1. M.Sc. Student, Imam Hossein Comprehensive University Ph.D. Student, National Defense University
 Asdiahmad181@gmail.com
2. Assistant Professor, Dafoos University Adibniya1355@gmail.com

This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons

Attribution Non-Commercial (CC-BY-NC) license.





«بررسی عوامل مؤثر بر امنیت پایدار شهر آمل
و ارائه راهکارهای مناسب»

اسفندیار و...



بررسی عوامل مؤثر بر امنیت پایدار شهر آمل و ارائه راهکارهای مناسب

اسفندیار، حمیدرضا^۱ | ادیب نیا، مجید^۲

چکیده:

بر هم زدن امنیت پایدار در جمهوری اسلامی ایران که یکی از بایئات‌ترین حکومت‌ها در مقابله با تهدیدات سخت و نیمه سخت در منطقه متلاطم و پرتنش غرب آسیا است؛ همواره توسط بازیگران خارجی (آمریکا و هم‌پیمانان آن) و عناصر داخلی، با بی‌ثبات‌سازی در امنیت ملی، کنترل و جلوگیری از بالا رفتن مؤلفه‌های قدرت ایران، تحمیل یا مدیریت طیف متنوع و هوشمند تهدیدات و به بن بست کشاندن مشروعیت نظام، دنبال شده است. اخلال و بی‌ثباتی در امنیت پایدار شهرها، خصوصاً شهرهایی که دارای موقعیت‌های خاص جغرافیایی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی می‌باشند، روند توسعه و امنیت آن منطقه را متأثر کرده و زمینه توسعه ناامنی در محیط پیرامونی و به تدریج کل کشور را موجب می‌شود. فلذا این پژوهش، ضمن برشمردن عوامل مؤثر بر امنیت پایدار شهر آمل به بیان راهکارهای دستیابی به امنیت پایدار و میزان تأثیر و اولویت هرکدام از عوامل پرداخته است. پژوهش با توجه به ماهیت، از نوع تحقیقات کاربردی؛ از نظر فرآیند اجرا، کمی بوده و داده‌های جمع‌آوری شده نیز به صورت کمی تحلیل شدند و هدف نیز، توصیفی-پیمایشی است. اطلاعات مورد نیاز از روش کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی با استفاده از پرسش‌نامه جمع‌آوری شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد برای ایجاد امنیت پایدار می‌بایست دولتمردان و حکمرانان به طیف متنوع و وسیعی از عوامل فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی، دفاعی و امنیتی، جغرافیایی در کنار یکدیگر، توجه داشته باشند. نتایج و یافته‌های این پژوهش در قرابتی آشکار تأیید کرد که راهبرد متخاصمانه دشمن و در رأس آن آمریکا با اولویت تأثیر بر دوگانه فرهنگ و اقتصاد با همه ابعاد و در تمامی سطوح، سبک و کیفیت زندگی مردم مسلمان را که عامل اصلی ثبات یا بی‌ثباتی امنیت و برهم زنده مشروعیت نظام و درنهایت تأمین اهداف دشمنان می‌داند، نشانه رفته است.

واژگان کلیدی: امنیت، امنیت ملی، امنیت پایدار، قدرت، تهدید، فرهنگ، سرمایه اجتماعی

۱. نویسنده مسئول؛ دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه جامع امام حسین (ع) asdiahmad181@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه دافوس Adibniya1355@gmail.com





مقدمه:

پایه و اساس غرب برای جهانی سازی ابتدا ایجاد نظم جهانی برای دستیابی به این هدف حیاتی است و هر دولت و ملتی که بخواهد این نظم را برهم زند یا در آن خللی ایجاد کند، به شیوه های مختلف برای نابودی آن یا همسوسازی با خود تلاش می کنند. حکومت های دارای مبانی انسانی و ایدئولوژی قوی و باثبات درکنار منابع انرژی زیاد که با انقلاب های مردمی شکل گرفته اند؛ همواره با طیف متنوعی از مشکلات و مخاطرات برهم زنده پایداری امنیت از طرف قدرت های بزرگ با همراهی رقبا منطقه ای، مواجه بوده و ثبات آن ها برای برقراری توسعه پایدار و امنیت پایدار مورد تهدید و ناامنی قرار می گیرد.

پس از شکل گیری نهضت مردمی در انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ در ایران که باعث بی تعادل شدن عناصر شکل دهنده تسلط سیاسی غرب بر جهان اسلام در جهت جهانی سازی شد و وابستگی بیش از پیش غرب به نفت و انرژی خاورمیانه موجب گردید تا این منطقه و در مرکزیت آن جمهوری اسلامی هر روزه با تهدیدات متنوع در مقیاس های خرد و کلان، امنیت ملی و پایدار خود را در معرض خطر ببیند. فلذا برای رشد و توسعه پایدار ایران اسلامی که حامی مستضعفان عالم و برهم زنده نظم (ظلم) جدید جهانی است، لازم است تا موضوعات و عوامل اثرگذار و تهدیدکننده امنیت پایدار مورد بحث و موشکافی قرار گیرد.

ایران به دلیل دارا بودن مختصات ویژه در ایفای نقش منطقه ای، وضعیت فرهنگی، برخورداری از منابع طبیعی و انسانی سرشار، تعارضات هویتی و قومی و همچنین موقعیت استراتژیک به عنوان مرکز مبادله انرژی در آسیای جنوب غربی، در معرض فرصت ها، چالش ها، تهدیدهای امنیتی کشورهای رقیب و فرا منطقه ای قرار دارد؛ این کشورها به عنوان عوامل خارجی درکنار برخی عوامل داخلی همواره تلاش برای بی ثبات سازی امنیت با محوریت تحت شعاع قرار دادن کیفیت زندگی، رضایت شهروندی، درگیری های سیاسی و اجتماعی، درگیری های مرزی و... موجبات ناپایداری امنیت در سطح محلی، منطقه ای، ملی و بین المللی را موجب می شوند.

در عصر حاضر در برقراری امنیت پایدار، سبک و کیفیت زندگی از کانونی ترین محورهایی است که مورد توجه دولتمردان از یکسو و مخالفان و رقبا داخلی و خارجی از دیگر سو به صورت جدی است. سبک و کیفیت زندگی مردم یک منطقه و کشور که وابستگی عمیقی با ایدئولوژی، امنیت، اقتصاد، سیاست و جغرافیا دارد، در سطوح فردی، گروهی و ملی همواره می تواند اثرات مثبت یا منفی خود را در امنیت پایدار گذاشته و در ارتباط دوسویه با آن، بر بالابردن اعتماد عمومی، رضایت شهروندی و افزایش سرمایه اجتماعی دولت ها و حکومت ها نقش بی بدیلی را ایفا نماید.



مرور ادبیات پژوهشی نشان می‌دهد که پژوهشی در رابطه با امنیت پایدار برای شهرهای شمال کشور صورت نگرفته است؛ به همین جهت پژوهشگر سعی نموده این خلأ پژوهشی را با نگاهی جامع‌تر و قابل بهره‌برداری و الگوبرداری برای استان مازندران و دیگر شهرهای شمال کشور با محوریت شهرستان آمل که از مهم‌ترین شهرهای شمالی کشور با مشخصات و مختصات خاص خود است، تکمیل نماید. فلذا در این پژوهش، ضمن برشمردن عوامل مؤثر بر امنیت پایدار شهر آمل، تلاش شده به بیان راهکارهای دستیابی به امنیت پایدار، میزان تأثیر و اولویت هر کدام از عوامل نظامی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی بر امنیت پایدار، مسائل و مؤلفه‌های مغفول مانده توسط ارگان‌ها و سازمان‌ها، ارائه پیشنهادها کاربردی، برای این شهر بپردازد.

اهداف پژوهش:

هدف اصلی:

هدف از انجام این پژوهش بررسی عوامل مؤثر بر امنیت پایدار شهر آمل و ارائه راهکارهای مناسب آن است؛ بدیهی است شناخت صحیح عوامل تأثیرگذار بر امنیت پایدار تأثیر مستقیمی بر تحقق و توسعه امنیت پایدار شهر آمل خواهد داشت.

اهداف فرعی:

- بررسی و تبیین میزان تأثیر عوامل فرهنگی - اجتماعی بر امنیت پایدار شهر آمل
- بررسی و تبیین میزان تأثیر عوامل اقتصادی بر امنیت پایدار شهر آمل
- بررسی و تبیین میزان تأثیر عوامل جغرافیایی بر امنیت پایدار شهر آمل
- بررسی و تبیین میزان تأثیر عوامل سیاسی بر امنیت پایدار شهر آمل
- بررسی و تبیین میزان تأثیر عوامل نظامی بر امنیت پایدار شهر آمل

مبانی نظری پژوهش:

پیشینه پژوهش:

در راستای مسئله پژوهش حاضر، تحقیقات مختلفی انجام شده است که هریک از زاویه دید متفاوتی موضوع را مورد بررسی قرار داده‌اند. برخی مقالات در این حوزه، صرفاً به موضوع مرزها، چالش‌های امنیتی مرزی، تهدیدات ناشی از قومیت‌ها و مشکلات اقتصادی و فرهنگی پرداخته است. برخی



مقالات و تحقیقات نیز با زاویه دید ژئوپولیتیک و کل نگر موضوع را بررسی کرده و به مؤلفه‌های اثرگذار بر امنیت پایدار اشاره داشته‌اند.

با توجه به دسته‌بندی صورت گرفته، برخی مطالعات و تحقیقات صورت گرفته در جدول شماره ۱ به آن اشاره شده است:

جدول شماره ۱- پیشینه پژوهش

ردیف	عنوان و روش	نویسنده / نویسندگان	مهم‌ترین یافته‌ها
۱	بررسی تدابیر راهبردی ناجا در گسترش امنیت پایدار مرزهای جنوب شرقی کشور (مورد مطالعه: استان سیستان و بلوچستان)	پیر علی و سیادت (۱۳۹۲)	مرزهای شرقی استان سیستان و بلوچستان با توجه به گستره جغرافیایی، طولانی بودن مرزها، تعداد همسایگان و موقعیت ژئوپلیتیکی، تداخل قومی- فرهنگی با کشورهای هم‌جوار و... می‌توانند منشأ تهدیدات مرزی متعدد برای کشور باشند؛ اما از طرف دیگر، نیروهای ناجا نیز از توانایی‌های بالقوه و بالفعل مطلوبی جهت مقابله با این تهدیدات برخوردارند؛ نتایج حاصل از ماتریس SWOT نشان داد که راهبرد هم‌افزایی ظرفیت‌های انتظامی- امنیتی در سطح استان، با توجه به شرایط موجود از اولویت بیشتری برخوردار است.
۲	امنیت پایدار نظام جمهوری اسلامی ایران؛ الگویی برای تبیین و اجرای سیاست‌های کلان - الگوسازی فرمال و غیرفرمال	نورالله قیصری (۱۳۹۲)	الگوی کلان به دست آمده در این پژوهش برای تبیین و اجرای سیاست‌های کلان امنیت پایدار در نظام جمهوری اسلامی شامل الگوهای فرعی مفهومی و سناریوهای اجرایی در چهار عرصه مفهومی، آرمانی، رویکردی و اقدام است که نقشه راه تبیین و اجرایی شدن سیاست‌های امنیت پایدار را به دست می‌دهد.
۳	متن و حاشیه امنیت پایدار- مطالعه اسناد و تحلیل محتوا	حسنلو (۱۳۹۱)	در این مقاله نویسنده به بیان این مطلب می‌پردازد که امنیت پایدار زمانی حاصل خواهد شد که متن و حاشیه امنیت به خوبی ترسیم شود. در این راستا کشوری پرفدرد است که دایره محیط امنیتی خود را با توجه به همه اصول انسانی و مردمی ترسیم کند و همچنین چتر امنیتی خود را بر حواشی آن نظیر مسائل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بکشد.
۴	امنیت پایدار در شهر اسلامی- تحلیل اسنادی و مطالعات کتابخانه‌ای	شجاع وثابت (۱۳۹۱)	این مقاله تأکید دارد فضاهای شهر ایران به عنوان محل سکونت مسلمانان باید بر مبنای اندیشه اسلامی و برگرفته از قرآن کریم، روایات و احادیث اسلامی برنامه‌ریزی، طراحی و اجرا شوند و رشد و توسعه یابند و شهرهای موجود نیز بر این مبنا اصلاح یا برنامه‌ریزی مجدد شوند تا امنیت در شهر اسلامی پایدار گردد.

ردیف	عنوان و روش	نویسنده/ نویسندگان	مهم‌ترین یافته‌ها
۵	عوامل مؤثر در شکل‌گیری امنیت پایدار- کتابخانه‌ای و توصیفی	سیفی فرزاد و همکاران (۱۳۹۸)	این پژوهش با مشخص کردن عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری امنیت پایدار، ارتباط بین عوامل که شامل ۷ عامل (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی، غذایی، محیطی و شخصی/ فردی) را نیز مشخص کرده است. نتایج این تحقیق معین نموده است که از نظر قدرت نفوذ دو عامل اساسی سیاسی و اقتصادی بالاترین تأثیرگذاری مبنا و محرک سایر عوامل و عامل شخصی/فردی کمترین تأثیر را در شکل‌گیری امنیت پایدار شهری دارد.
۶	امنیت در قرآن کریم- تحلیلی و تفسیرمندی	سهرابی (۱۳۹۶)	قرآن کریم نسبت به مفهوم امنیت در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی نگاهی جهان‌شمول دارد که در آن مصالح نوع بشر تأمین می‌شود. در این نگاه، امنیت پایدار همواره با اقتدار، وحدت، انسجام و استحکام جامعه اسلامی در ابعاد داخلی و خارجی ارتباط دارد؛ بنابراین هرگونه نابسامانی و ناامنی در یک بُعد، ابعاد دیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهد و پایداری امنیت را از بین می‌برد.
۷	امنیت پایدار در مناطق مرزی- کیفی و استنباطی	ابراهیم‌زاده و صحرایی (۱۳۹۱)	نتایج این مقاله نشان می‌دهد امنیت ملی با توسعه و عدالت سرزمینی رابطه‌ای مستقیم دارد و نابرابری‌های توسعه بین مناطق می‌تواند شکاف‌های سیاسی را عمیق‌تر کند. اگر این مهم در سیاست‌گذاری‌ها لحاظ شود و بتوان با برنامه‌ریزی گروه‌های قومی و مرزنشین را به‌سوی مشارکت ملی سوق داد، می‌توان انتظار داشت که هویت ملی و احساس تعلق خاطر به سرزمین اصلی در آن‌ها تقویت شده و از این تحولات جمعیتی به‌عنوان فرصتی برای ثبات امنیت مناطق مرزی خود بهره‌برد.
۸	بررسی الگوسازی عوامل تأمین‌کننده امنیت پایدار مرزی (مطالعه موردی مرزهای شرقی ایران)	پولادی و همکاران (۱۳۹۵)	سه دسته عمده عوامل مداخله‌گر، نظیر محرومیت‌های فرهنگی، قاچاقچیان بین‌المللی، حساسیت‌های قومی، نحوه تعامل نخبگان با موضوع، عوامل علی (نظیر تمرکز بر ساخت هویت درون‌زا، افزایش توان نظامی داخلی، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری (و عوامل زمینه‌ای) نظیر گسترش زیرساخت‌های اقتصادی-زیست محیطی، فرهنگی-اجتماعی، امنیتی- پدافند غیرعامل، سیاسی- قانونی و مذهبی در ایجاد ناامنی مرزهای شرقی تأثیرگذارند. نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل‌ها بیانگر آن است که تأمین امنیت پایدار مرزهای شرقی، پیامدهایی از جمله حفظ جمعیت بومی، کنترل قاچاق کالا و همچنین از بین رفتن تهدیدهای سیاسی- امنیتی و اقتصادی را در پی خواهد داشت.



مفهوم‌شناسی متغیرها و ادبیات مرتبط:

امنیت:

امنیت با ضد خود، یعنی به واسطه ناامنی تعریف می‌شود. در واقع امنیت بُعد فقدان تهدید را که بر واژگانی همچون قدرت، اقتدار، ثبات، نظم و کنترل متمرکز است را شامل می‌شود.

«امنیت از آن دسته مفاهیمی است که به رغم ادراک پذیری به عنوان یک نیاز عمومی تاکنون از آن تعریف مفید، فراگیر و یکسان در میان نخبگان سیاسی - امنیتی ملل مختلف ارائه نشده است» (بلندیان، ۱۳۸۸: ۲۳).

«کلمه امنیت از ریشه عربی اَمَنَ نخست به معنای کسانی که خود را به مقام امن رسانده‌اند؛ که به آن‌ها مؤمن گفته می‌شود و دوم شهرها و کشورهایی که دارای امنیتی هستند و از نعمت امنیت برخوردارند» (افتخاری، ۱۳۸۴: ۲۱).

در خصوص معنای اصطلاحی امنیت، برداشت قریب به عموم اندیشمندان در علم سیاست این است که هر نظام سیاسی و هر کشوری که از ثبات نسبی برخوردار باشد، امنیت دارد. به عبارت دیگر واحدهای سیاسی آن کشور از خطرات جدی محیط داخلی و خارجی نسبتاً مصون هستند.

«طیفی از انواع امنیت وجود دارد که با طیف نیازهای انسان برابری می‌کند؛ مانند امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت سیاسی، امنیت عمومی، امنیت روانی، امنیت بهداشتی، امنیت غذایی، امنیت رفاهی و... که هر کدام مبتنی بر برداشت و تعریفی خاص از امنیت است. در واقع وجه مشترکی که همه اندیشمندان به آن اذعان دارند این است که امنیت نیاز اساسی انسان است» (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۲۵).

مفهوم امنیت با نظم نوینی که از سال ۱۹۹۰ به وجود آمده، معنای وسیع‌تری به خود گرفته است؛ این گستردگی در ۴ گونه اصلی قابل‌شناسایی است که عبارت‌اند از:

۱. مرجع امنیت از دولت‌ها به گروه‌ها و افراد توسعه یافته است؛ این روند انتقالی رو به پایین، یعنی از دولت‌ها به افراد است.
۲. در حوزه امنیت از امنیت دولت‌ها به امنیت سیستم بین‌الملل و یا محیط مادی مافوق ملیت‌ها توسعه یافته است؛ این توسعه رو به بالا از ملت‌ها به سمت زیست‌کره است. گستردگی در هر دو مورد مطرح شده، توسعه انواعی از نهادهایی است که تضمین‌کننده امنیت است.

۳. شیوه تأمین امنیت به شکل افقی توسعه یافته و در نتیجه، ابعاد امنیت به شدت تنوع و تعدد یافته است. به عبارت دیگر امنیت و یا ناامنی نهادهای گوناگون همچون افراد، ملت‌ها و دستگاه‌ها به یک شیوه محقق نمی‌شود. همچنین مفهوم امنیت از نظامی به سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، محیطی و امنیت بشر بسط پیدا کرده است.

۴. مسئولیت سیاسی جهت تضمین امنیت (جهت تقویت تمامی موارد ذکر شده) نیز توسعه یافته است و در محیط‌های گسترده‌ای همچون دولت‌های ملی، روند رو به بالا همچون نهادهای بین‌المللی یا رو به پایین حکومت‌های منطقه‌ای یا محلی و یا سازمان‌های مردم‌نهاد، نظرات عمومی و افشار و یا نیروهای طبیعی و بازار، پراکنده شده است (باری بوزان و هانسن، ۲۰۰۳: ۳). در نگرش‌های نوین، امنیت در سه سطح قابل طرح است؛ سطح اول امنیت ملی است که در واقع از یک سو به شرایط تأمین و حفظ موجودیت نظام در درون و بیرون مرزها و از سوی دیگر به توانایی‌های نظام در محیط بیرونی و پیرامونی توجه دارد.

سطح دوم امنیت، مربوط به امنیت داخلی است که در عرصه سیاسی مطرح می‌شود و ناظر بر فراهم کردن بستر مناسب برای حفظ امنیت حاکمیت و مردم در جغرافیای سیاسی کشور است. امنیت داخلی طیف متنوعی از موضوعات، چون مسائل مرزی، هویت اجتماعی، گسست‌های اجتماعی، ناآرامی‌های اجتماعی، بحران‌های داخلی و... را در بر می‌گیرد.

سطح سوم امنیت، امنیت عمومی است که هدف اساسی آن حفاظت از حقوق شهروندان است. این سطح ناظر به تولید و حفظ شرایط است که در آن منافع، مصالح و حقوق افراد و گروه‌ها و نهادهای اجتماعی تأمین می‌شود (قالیباف، ۱۳۸۴: ۱۳).

امنیت ملی:

دستیابی به شرایطی که به یک کشور امکان می‌دهد از تهدیدهای بالقوه یا بالفعل خارجی و از نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانه در امان باشد و در راه پیشبرد امر توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی و تأمین وحدت و موجودیت کشور و رفاه عامه، فارغ از مداخله بیگانه گام بردارد (روشندل، ۱۳۷۴: ۱۴).

«به اعتقاد برخی صاحب‌نظران، در یک نگرش کلی امنیت ملی را می‌توان به شش مقوله کلی تقسیم کرد که عبارت‌اند از: نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و فرهنگی» (زرقانی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۲۹).



امنیت عمومی:

امنیت عمومی عبارت است از وضعیتی که در آن مناسبات اجتماعی بین افراد، نهادهای مدنی و بروکرات دولتی، از ظهور، توسعه و نهادینه نشدن فسادهای مختلف صیانت می‌کند؛ در نتیجه می‌توانیم شاهد کاهش ضریب ناامنی افراد از ناحیه عملکرد سایر بازیگران درون جامعه باشیم. این تعریف دارای دو رکن اساسی است؛ رکن اول: امنیت عمومی در ارتباط مستقیم با سازمان رسمی قدرت (دولت) است.

«این ارتباط در دو سطح تعریف می‌شود: اول از این حیث که کارکنان اداری سازمان قدرت، در تعامل با مردم هستند؛ بنابراین، مردم نباید در وضعیتی قرار بگیرند که از سوی این افراد به دلیل بهره‌مندی و یا اتصالشان به قدرت تحت فشار قرار گیرند. دیگر اینکه دولت وظیفه مدیریت مناسبات اجتماعی و برخورد با عوامل مخل امنیت را عهده‌دار است تا در نتیجه آن ضریب ایمنی در جامعه افزایش یابد. رکن دوم این است که روابط بین بازیگران مختلف در جامعه باید به گونه‌ای تحت نظارت و مدیریت پلیس باشد تا به اصل آزادی فردی معترض نشوند و هم بتوانند نوعی اطمینان خاطر را برای افراد ایجاد نمایند. بدین معنا که در صورت بروز هرگونه آسیب و فساد در شبکه روابط اجتماعی، نهادهای رسمی موظف به برخورد با این مفاسد به نفع افراد متضرر و منافع عمومی جامعه باشد» (افتخاری، ۱۳۸۴: ۲۵).

امنیت پایدار:

پایدار نیز به معنی وضعیت، حالت یا کیفیتی است که در طول زمان ادامه می‌یابد؛ از نظر کاربرد نیز همانند صفتی است که می‌تواند موصوف‌های متعدد داشته باشد. واژگانی همانند جامعه پایدار، شهر پایدار، اجتماع پایدار، محیط زیست پایدار و توسعه پایدار در ادبیات سیاسی و اجتماعی امروزی زیاد به چشم می‌خورد. پایداری نیز به معنی نگهداشت و نگه‌داشتن است؛ می‌توان بر اساس شدت کیفیت، پایداری را به قوی و ضعیف تفکیک کرد. معنای کیفیت، زمان و فضایی که پایداری باید در آن حاصل شود لازم است از قبل تعیین شود. در چه فضایی پایداری باید حاصل شود؟ در چه زمانی (دوره زمانی) پایداری باید حاصل شود؟ فضا می‌تواند شهر، استان، کشور، منطقه و... تصور شود. با توجه به مختصات ((پایداری)) و ((امنیت))، امنیت پایدار، اطمینان قوی توأم با شواهد عینی نسبت به بقاء، تداوم و استمرار وضعیت‌ها و نظام‌های مؤثر در حفظ و ارتقای فیزیک جسمانی، هویت و دارایی‌های مادی و معنوی از سوی امنیت جویان در برابر تهدیدات موجود و متصور حال و آینده تعریف می‌شود.



«پایداری و مفاهیم ترکیبی آن مانند امنیت پایدار ناظر بر درک جامعی است که بر پایه آن به همه عوامل مؤثر سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و... در کنار یکدیگر و در تعامل باهم توجه می‌شود» (نصیری، ۱۳۸۴: ۲۱۵-۲۱۶).

«امنیت پایدار امنیتی است که همه عوامل به طور پیوسته به کار گرفته می‌شوند تا ارزش‌های اساسی مورد هجوم واقع نشوند و در وقوع تهاجم اعم از فرهنگی، اقتصادی، سیاسی یا نظامی این ارزش‌ها فدای کسب صلح نگردند و از آن‌ها دفاع شود» (نوروزی، ۱۳۸۵: ۱۴۱).

«امنیت پایدار برای جوامع و کشورها، یعنی نگهداشت استقلال، یکپارچگی سرزمینی، پاسداری از شیوه‌های زندگی ملی و جلوگیری از دخالت بیگانگان در امور داخلی است. در درجه نخست به معنای تأمین شرایطی است که کشور را از دست‌اندازی دیگران به استقلال سیاسی و ارزش‌های فرهنگی حفظ کند» (مطلوبی، ۱۳۹۱: ۵).

«پایداری باید در زمینه‌ای معین و بر اساس مقیاس‌هایی که مربوط به تحصیل آن است عملیاتی و بر اساس روش‌های خاصی که باید برای سنجش در یک دوره زمانی طولانی طراحی شود، عملیاتی گردد» (هاین، ۱۹۹۰: ۲۲).

بنابراین در امنیت پایدار به دلیل اهمیت موضوع باید رویکرد قوی به امنیت داشت، ولی لازم است زمان، منظور از کیفیت، زمینه عملیاتی و سطح امنیت تعیین شود.

در پایداری امنیت دو عنصر وجود دارد:

۱. حفظ و افزایش توانایی سیستم مدیریت امنیت در درک واقعی تهدیدهای حال و آینده؛
۲. حفظ و افزایش توانایی سیستم مدیریت امنیت در اتخاذ تمهیدات لازم برای مقابله با تهدیدها (قیصری، ۱۳۹۱).

همه شهروندان در برقراری امنیت پایدار با توجه به توان و وسع خود نقش دارند. وقتی که دولت و شهروندان به صورت مشترک در اداره جامعه سهیم باشند و برای اداره سرزمین در مقابل چالش‌ها و معضلات امنیتی یکپارچه و متحد باشند، امنیت پایدار شکل خواهد گرفت.

سردار حسین سلامی در همایش امنیت پایدار در سال ۱۳۹۱ به این نکته اشاره نمودند که پایداری مفهومی فیزیکی دارد. از این رو، برای ایجاد پایداری در اجسام لزوماً می‌بایست اولاً سطح قاعده آن‌ها زیاد شود؛ ثانیاً مرکز ثقل آن‌ها به قاعده نزدیک‌تر گردد. بر این اساس برای ایجاد امنیت پایدار، می‌بایست اولاً سطح اتکای امنیت را از طریق مردمی کردن امنیت، مبتنی بر مشارکت نهادینه شده، بیشتر کرد. ثانیاً



فاصله بین ولایت مطلقه فقیه به عنوان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین منبع و مرکز تولیدکننده قدرت ملی و ثبات (ولایت فقیه است که می‌تواند همه ظرفیت‌ها را در جغرافیای مشخصی به‌کارگیری نماید) را با قاعده هرم یعنی مردم کمتر کرد. بر این اساس پایان‌ناپذیری قدرت در قالب آگاهی‌های اجتماعی، مبتنی بر پارادایم تشیع، راز امنیت پایدار مردمی است؛ بنابراین، آگاهی بخشی، الهام بخشی و افزایش بصیرت بر اساس تدبیر، حکمت، الهام و اندیشه، از کلیدی‌ترین محورهای افزایش سطح اتکای امنیت است. در این راستا، ویژگی رهبری، تزریق عنصر آگاهی و بصیرت افزایشی به ملت است. بدین ترتیب هر قدر که فاصله مرکز ثقل (رهبری) از قاعده (مردم) کمتر باشد، پایداری امنیت بیشتر خواهد بود. بدیهی است که وحدت و انسجام ملی از یک هندسه منظم بهره می‌گیرد. در نگاه اول این مدل بدیهی به نظر می‌رسد ولیکن با داشتن یک هندسه منظم، امنیت پایدار اطمینان بخش، نتیجه خواهد شد.

فرهنگ:

مراد ما از فرهنگ، همان ذهنیت‌ها است. هر جا که من تعبیر فرهنگ را به کار می‌برم، مراد آن معنای عام فرهنگ است؛ یعنی آن ذهنیت‌های حاکم بر وجود انسان که رفتارهای او را به سمتی هدایت می‌کند تسریع، یا کند می‌کند؛ این، حداقل نیمی از عوامل تعیین‌کننده و پیش‌برنده و جهت‌دهنده به همه رفتارها است (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۸/۰۹/۲۳).

فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای است متضمن معلومات، اعتقادات، هنرها، اخلاق، قوانین، آداب و رسوم و تمایلات، قابلیت‌ها و عادات مکتسبه که آدمی در حالت عضویت در یک اجتماع حاصل می‌نماید. (منصوری، ۱۳۷۰: ۹).

فرهنگ مایه اصلی هویت ملت‌ها است. فرهنگ یک ملت است که می‌تواند آن ملت را پیشرفته، عزیز، توانا، عالم، فناور، نوآور و دارای آبروی جهانی کند. اگر فرهنگ در کشوری دچار انحطاط شد و یک کشور هویت فرهنگی خودش را از دست داد، حتی پیشرفت‌هایی که دیگران به آن کشور تزریق کنند، نخواهد توانست آن کشور را از جایگاه شایسته‌ای در مجموعه بشریت برخوردار کند و منافع آن ملت را حفظ کند (بیانات رهبر فرزانه انقلاب پس از بازدید از سازمان صدا و سیما، ۱۳۸۳/۲/۲۸).

مهم‌ترین کارکرد فرهنگ از دیدگاه متفکران بزرگی چون دورکیم و پارسونز، انسجام بخشی و ایجاد وفاق اجتماعی است. از نظر پارسونز، مهم‌ترین وظیفه نظام فرهنگی حفظ و تداوم الگوها است. به عقیده وی، فرهنگ مجموعه‌ای از ارزش‌ها و باورهای خاص هر جامعه را در بر می‌گیرد که حفظ و باور به

آن، نقش حیاتی و تعیین‌کننده‌ای در تداوم جامعه ایفا می‌کند. فرهنگ جامعه با تأکید گذاردن بر برخی ارزش‌های خاص، فرد را به عمل به یک شیوه رفتاری به خصوص ترغیب می‌کند. شیوه رفتاری که تداوم آن، نظام اجتماعی را یاری می‌رساند (معینی، ۱۳۷۴: ۱۲).

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در خصوص فضای غبارآلود می‌فرمایند: «ملت ایران به همان نسبت که دشمن، روش‌های خود را در توطئه علیه ایران اسلامی پیچیده‌تر می‌کند، باید برهوشیاری و آگاهی خود بیفزاید و با آمادگی معنوی، فکری، سیاسی و حفظ وحدت و اتصال و ارتباط با یکدیگر، چهره دشمن را در هر لباسی که هست شناسایی کنند» (۱۳۸۰/۰۸/۲۱).

قدرت:

در یک تعریف قدرت به توانایی و ظرفیت انجام کارها گفته می‌شود و همچنین قدرت را توانایی کسب نتایج دلخواه می‌دانند و در یک تعبیر قدرت دارای ابعاد سخت، نرم و نیمه سخت است.

قدرت از مفاهیم اصلی علم سیاست است که به معنای توانایی دارنده آن برای واداشتن دیگران به تسلیم در برابر درخواست خود به هر شکلی است (بابایی، ۱۳۷۷: ۲۴۱).

عبدالعلی قوام در روابط بین‌الملل، نظریه‌ها و رویکردها، مهم‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده قدرت را این‌گونه بر می‌شمارد:

۱. ایدئولوژی
۲. عوامل اجتماعی- انسانی شامل میزان جمعیت، ویژگی‌های ملی، روحیه ملی و یکپارچگی اجتماعی
۳. عوامل سیاسی شامل ثبات سیاسی، رهبری، شکل حکومت
۴. عوامل جغرافیایی شامل وسعت سرزمینی، شکل کشور، مرزهای طبیعی، وضعیت همسایگان، وضعیت جغرافیایی (خشکی، دریایی و...) و شرایط اقلیمی
۵. عوامل نظامی
۶. عوامل اقتصادی

جوزف نای قدرت نرم را شیوه‌ای غیرمستقیم برای دستیابی به اهداف می‌داند. او قدرت نرم را توانایی کسب خواسته‌ها از طریق جذب کردن (جذابیت) و نه از طریق اجبار یا پاداش می‌داند. این شیوه غیرمستقیم رسیدن به هدف، چهره دوم قدرت است (امیری، ۱۳۸۷: ۲۵).



در مجموع قدرت نرم را با چهار رکن اساسی می‌توان معنا کرد: کارآمدی حکومت، سرمایه اجتماعی، اقتدار و جذابیت (عبدالله خانی، ۱۳۸۶).

کانون اصلی قدرت نرم، کارآمدی حکومت در تولید و مهندسی امنیت از یک سو و مدیریت ناامنی از سوی دیگر است. بر این اساس میان قدرت نرم، جنگ نرم، آسیب‌پذیری‌ها و پدیده‌های نرم‌افزاری ناامنی رابطه متقابل وجود دارد (ماه‌پیشانیان، ۱۳۹۱).

یکی از وجوه قدرت و قدرت ملی، قدرت نظامی است و قدرت نظامی یکی از مؤلفه‌های اصلی تأمین‌کننده امنیت ملی است. قدرت نظامی در وهله اول برای جلوگیری از جنگ است. شناخت این قدرت نظامی به‌ویژه در عصر کنونی حائز اهمیت ویژه است؛ به دلیل جنگ‌هایی که در آن مطرح است مانند جنگ‌های شبکه‌ای، اطلاعاتی، سایبری، هوشمند و نسل‌های جدید جنگ که در نسل چهارم و پنجم قرار داریم (وحیدی، ۱۳۹۱).

تهدید:

مفهوم تهدید در حوزه دانش امنیت پژوهی بیشتر به‌عنوان یک شاخص در شناساندن مفهوم امنیت مدنظر بوده است تا اینکه به‌صورت مستقل، موضوع شناخته شود. رابرت ماندل در چهره متغیر امنیت ملی، اظهار داشته است، خاستگاه مفهومی تهدید را مقوله تغییر شکل می‌دهد، به این معنا که تهدید در نهایت امر به‌گونه‌ای خاص از تغییرات قابل اطلاق است. برای درک این معنا لازم است نکات زیر در خصوص جایگاه و ضرورت وجود تغییرات در حیات جمعی انسان مورد توجه قرار گیرد.

نکته اول: عدم تغییرات به معنای وجود امنیت نیست. در این ارتباط دو تصویر از امنیت وجود دارد: تصویر اول؛ امنیت برابر سکون تصویر دوم؛ امنیت برابر است با ثبات.

نکته دوم: هر تغییری ضرورتاً یک تهدید یا آسیب نیست (افتخاری، ۱۳۸۵: ۳۴).

به آن دسته از تهدیداتی که در صورت وقوع امنیت ملی، ثبات سیاسی جمهوری اسلامی ایران و امنیت در مرزها را به‌صورت جدی خدشه‌دار می‌کند؛ تهدید امنیتی اطلاق می‌شود (سند ۹-۲۴/۳/ش پژوهشکده دفاعی: ۸).

دو بعد اصلی تهدید عبارت است از سخت‌افزارانه و نرم‌افزارانه، بعد اول چنانکه بیل مک سویتی اظهار داشته از دیرباز مدنظر همه بازیگران و تحلیلگران بوده است. دلیل این امر به ویژگی‌های بارز

این بعد بر می‌گردد که عبارت‌اند از واقعی بودن، عینی بودن و محسوس بودن. این بعد از تهدید قابل اندازه‌گیری و تعیین میزان شدت است و به جریان سنتی مکاتب تعلق دارد (افتخاری، ۱۳۸۵: ۲۸).

در آینده‌ای نه‌چندان دور با انواع جدیدی از چالش‌ها، تنش‌ها، بحران‌ها، تهدیدها و منازعات مواجه خواهیم شد. هم‌اکنون نوع ادراک کنشگران جهان از مفاهیم (امنیت)، (تهدید)، (دفاع، قدرت، جنگ و...) به شکلی بنیادین دچار دگرگونی شده است. این مفاهیم رابطه‌ای تنگاتنگ با هم دارند و تغییرات هریک، دیگری را متأثر می‌کند. هریک از این مفاهیم دارای متن اصلی به مثابه هسته مرکزی و فضای پیرامونی به عنوان حاشیه هستند. مفهوم امنیت نیز عناصر و مؤلفه‌هایی دارد که متن آن را تشکیل می‌دهند و همچنین سایر عوامل که در فضای پیرامونی واقع شده و حاشیه آن را تشکیل می‌دهد. تهدیدهایی که متن امنیت ملی و مردم کشورها را نشانه رفته‌اند، به سرعت کانون توجه همه دولت‌ها و ملت‌ها واقع می‌شوند؛ اجتماع و مردم، متن امنیت را تشکیل می‌دهد.

در چالش‌ها، تهدیدها و منازعات آینده نه تنها باید قدرت نرم بلکه قدرت سخت را برای کنترل اوضاع در شرایط جنگ و صلح بکار گرفت؛ به کارگیری هم‌زمان این قدرت‌های متنوع و گوناگون تهدیدهای مهلکی را به وجود آورده که آن را تهدیدهای هوشمندگویند که در مقابل آن نیز قدرت هوشمند وجود دارد (حسنلو، ۱۳۹۶: ۵).

به موازات مؤلفه‌های امنیت ملی که شامل اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نظامی است؛ تهدیدات مهم ممکن است در یک کشور دارای جنبه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نظامی به شرح زیر وجود داشته و یا اینکه به وسیله عوامل مخالف آن نظام و کشور ایجاد شود (امیری، ۱۳۸۹: ۳۵).

آشنایی با منطقه مورد مطالعه (محیط‌شناسی شهرستان آمل):

شهرستان آمل در شمال کشور در مرکزیت استان مازندران، دارای ۴۲۰۷۰۰ نفر جمعیت و ۳۰۷۴/۷ متر مربع مساحت، در دشت جلگه‌ای در دو طرف رود هراز گسترش یافته و با متوسط سالانه ۷۱۸ میلی‌متر باران و ۴۰ متر ارتفاع از سطح دریای آزاد در ۵۲ درجه و ۲۰ دقیقه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۲۸ دقیقه عرض شمالی قرار گرفته و شهر آمل مرکز شهرستان است. از جنوب به استان تهران؛ از شمال به شهرستان ساحلی محمودآباد؛ از شرق به شهرستان بابل و از غرب به شهرستان نور و از شمال شرق به شهرستان فریدون‌کنار محدود می‌شود (سایت استانداری مازندران).



شهرستان از ۶ شهر آمل، گزنک، رینه، دابودشت، بابکان و امامزاده عبدالله تشکیل شده و از ۵ بخش مرکزی دابودشت، لاریجان، دشت سر و امامزاده عبدالله و ۳۹۰ روستا تشکیل شده است (سایت مرکز آمار ایران، صفحات اطلاعات استانی: ۱۳۹۳).

شهر آمل با قدمتی ۳ هزار ساله و از قدیمی ترین شهرهای ایران که در گذشته به نام های آمارد، همرو، آمله، مرداد، آمو معروف بوده است و حال که آمل نامیده شده است به معنای ضد مرگ، تو را مرگ نیست؛ هویت معنایی دارد (ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان. ۶۱۳ ه. ق).

شهر آمل که برخی مورخین آن را دومین شهر کهن ایران می خوانند، در رساله جغرافیایی شهرستان های ایران شهر که از جمله متون بازمانده به زبان پهلوی عصر ساسانی است از آمل به عنوان شهرهای شمالی ایران یاد شده است. در این رساله از بنیاد آمل آمده است که این شهر پس از اعدام مزدک بنا شده است. بعضی از پیروان مزدک که تحت تعقیب بودند گریختند و به اینجا آمدند و شهر آمل را بنا نهادند.

این شهر حداقل از دوره ساسانی تا دوره مغول پایتخت مازندران بود و سکه هایی نیز با ضرب آمل در زمان ساسانیان کشف شده است. «ابن خرداد به» نیز چنین می نویسد: از زمان پادشاهی فریدون تا زمان بهرام گور آمل پایتخت دنیای مسکون بود.

در سال ۱۳۷ ه. ق به دست مسلمین افتاد؛ سیاحانی که بعد از ورود اسلام در دوره های مختلف از این شهر بازدید کرده اند اواسط قرن سوم تا اواخر قرن چهارم هجری را اوج شکوفایی شهر دانسته اند. این دوره مصادف با به قدرت رسیدن علویان است و شهر آمل به عنوان مرکز طبرستان و اولین پایتخت علویان مورد توجه قرار می گیرد (ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان. ۶۱۳ ه. ق)

در دوران معاصر با شروع تغییرات شهرسازی و تأسیس ادارات و مراکز خدمات، بافت جدید شهر آرام آرام خود را از بافت قدیم جدا نمود. با ظهور انقلاب اسلامی و با توجه به توسعه روزافزون ظرفیت های دینی و سیاسی این شهرستان، مرکزیت اقتصادی استان با دارا بودن ۵ شهرک صنعتی (شرکت های ایران دیزل، کاله، فذا و...)، فعالیت در حوزه های زراعت، صنعت و معدن، باغداری، شیلات، دامداری، طیور، صنایع تبدیلی و تکمیلی، صنایع غذایی، خدمات و صنایع دستی، موقعیت برتر جغرافیایی، عالمان به نام جهان اسلام و تشیع، نخبگان علمی و سیاسی، مجاورت با گذرگاه های مهم، حضور طوایف و سلاقی مختلف سیاسی چپ و راست، موجب شده که این شهر در کنار دیگر شهرهای مهم و اثرگذار کشور به عنوان نمادی برای امنیت و توسعه یا ناامنی و ناهنجاری در پازل برنامه ریزان مورد توجه گروه های موافق و مخالف انقلاب اسلامی باشد.

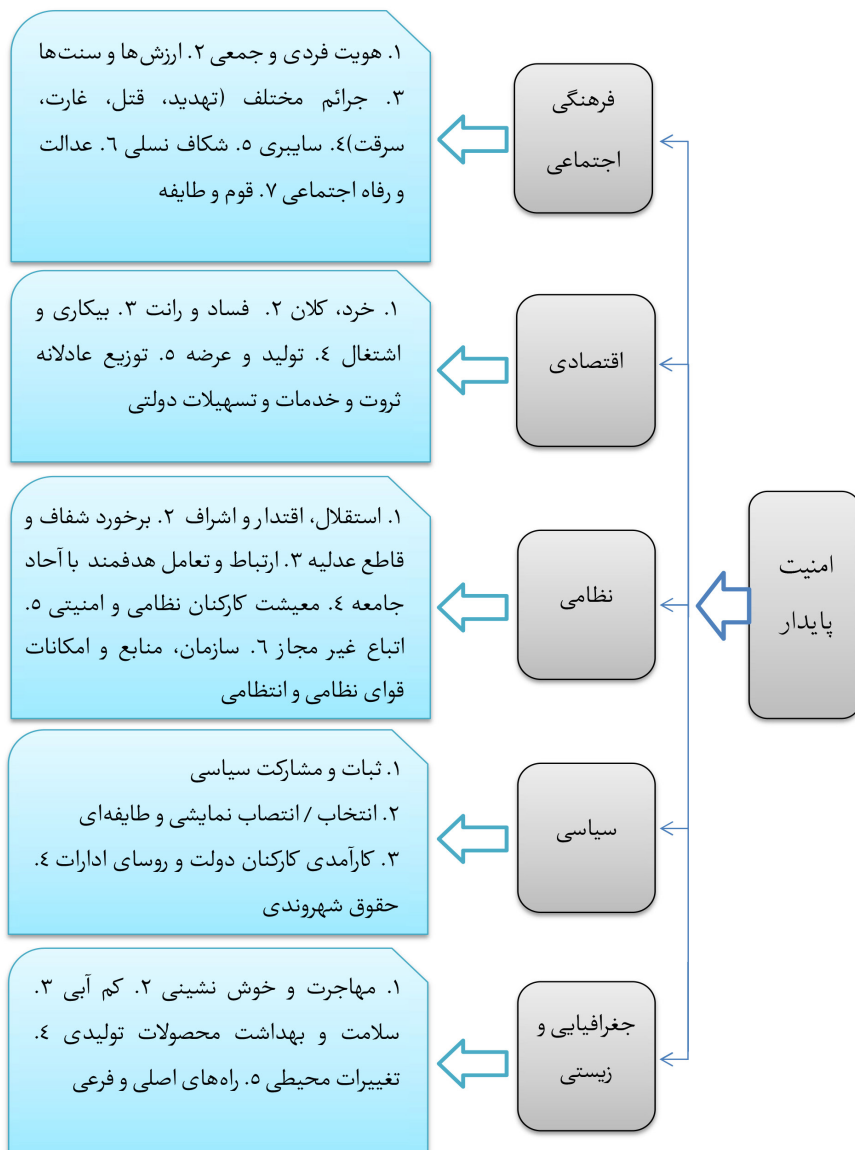


غائله منافقین و مارکسیست ها در ۶ بهمن سال ۶۰ آمل، سازمان دهی و برنامه ریزی برای القای ناامنی و ایجاد اغتشاشات در آمل، ناهنجاری های اجتماعی و فرهنگی دور از انتظار، از جمله مواردی است که دشمنان آرامش، امنیت و توسعه انقلاب اسلامی همواره در تلاش برای بهره برداری عوامل از این دست، در آمل و اثرگذاری و بهره برداری منطقه ای می باشند. حضرت امام خمینی (ره) در وصیت نامه سیاسی الهی (صحیفه جلد ۶۱ صفحه ۲) بعد از وقایع ۶ بهمن سال ۱۳۶۰، در خصوص مردم و شهر آمل می فرماید: همه آملشان را به شمال دوخته بودند و بیشتر تبلیغات این بود که تقریباً ۱۰۰ درصد مردم مخالف با جمهوری اسلامی اند و این ها همه قوایشان را جمع کردند و به آمل آن حمله وحشیانه را کردند، به امید اینکه مردم آمل هم با آن ها همدست می شوند و مرکز استان قرار بدهند و بعد مازندران و جاهای دیگر رشت و همه جا را بگیرند و جلو برود. ما باید تشکر کنیم از شهر آمل و آن مردم فداکار آن، که مع الأسف، خوب عده ای هم شهید دادند، لکن خوب این مطلب را اثبات کردند که آنجایی که شما تمام آمالتان به آنجا بود با شما مخالفت کرد، حالا شما می خواهید بیا بید قم؟ می خواهید بیاید تهران و جاهای دیگر؟



مدل مفهومی:

بر اساس مرور ادبیات، مدل مفهومی در شکل زیر نشان داده شده است:



روش‌شناسی پژوهش:

این پژوهش با توجه به ماهیت، از نوع تحقیقات کاربردی است. از نظر فرآیند اجرای پژوهش، پژوهشی کمی است؛ داده‌های جمع‌آوری شده به صورت عددی یا کمی تحلیل شدند. از جهت هدف، توصیفی - پیمایشی است، زیرا هدف آن توسعه دانش و آگاهی در زمینه مسائل امنیتی بر اساس دیدگاه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و جغرافیا، دفاعی و امنیتی است؛ با تدوین یک مدل مفهومی از میان مطالعات قبلی، مدل به شکل کامل‌تری تدوین و اثبات گردید. همچنین از نظر زمان انجام پژوهش، از نوع مقطعی؛ در مقطع خاصی از زمان در سال ۱۴۰۲ و از طریق نمونه‌گیری از جامعه انجام شد. چارچوب نظری و پیشینه پژوهش نیز از راه مراجعه به کتب و مقالات و جمع‌آوری داده‌ها و نتیجه‌نهایی از طریق پرسش‌نامه انجام گردید. از آنجایی که این پژوهش در یک محیط واقعی اعم از نخبگان علمی و سیاسی، مسئولین امنیتی و قضایی، کارکنان نظامی و انتظامی شهرستان آمل و مازندران انجام شد، جزء تحقیقات میدانی به حساب می‌آید.

با توجه به اینکه پرسشنامه یکی از ابزارهای رایج تحقیق و روشی برای کسب داده‌های پژوهش است، پژوهشگر در این پژوهش به منظور دستیابی به حقایق مربوط به حال و پیش‌بینی وقایع آینده از پرسشنامه استفاده نموده است که با ارزش‌گذاری، کدگذاری و تجزیه و تحلیل، تعبیر و تفسیر پرسشنامه منظم به علت یکنواختی آن برای همه آزمودنی‌ها، آسان و راحت بوده؛ چرا که از پاسخگو خواسته می‌شود به جای انشای پاسخ، تنها یک علامت در مقابل یکی از پاسخ‌های پیش‌بینی شده بگذارد.

پرسشنامه پژوهش حاضر شامل دو بخش اصلی است. بخش اول مشخصات جمعیت شناختی مربوط به نمونه آماری و بخش دوم سؤالات اصلی پژوهش برای سنجش متغیرها است. در بخش سؤالات اصلی پژوهش نیز تعداد ۵۸ سؤال در پرسشنامه بر اساس پنج بعد مورد مطالعه از منظر امنیتی برای سنجش کل متغیرهای پژوهش استفاده شد؛ سؤالات پرسشنامه استاندارد بوده و در پژوهش‌های قبلی مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ بنابراین ابتدا سؤالات پرسشنامه در قالب یک فرم تهیه و پس از اطمینان از روایی محتوا، پرسشنامه‌ها بین اعضای نمونه توزیع گردید.



برای سنجش پایایی پرسشنامه از آزمون آلفای کرونباخ استفاده می‌شود که در زیر نتایج این آزمون برای ابعاد مختلف نشان داده شده است.

جدول شماره ۲- سنجش پایایی پرسشنامه

ابعاد	تعداد سؤالات	آلفای کرونباخ
امنیت نظامی	۱۲	۰,۷۲۷
امنیت اقتصادی	۱۰	۰,۷۴۶
امنیت فرهنگی	۱۱	۰,۷۶۶
امنیت سیاسی	۸	۰,۶۸۲
امنیت اجتماعی	۸	۰,۶۶۹
امنیت جغرافیایی	۹	۰,۷۴۵
کل پرسشنامه	۵۸	۰,۸۹۱

برای به دست آوردن ضریب تأثیر هر یک از عوامل از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است که در جدول زیر میزان تأثیر هر یک از عوامل مشخص است.

جدول شماره ۳- ضریب همبستگی پیرسون

ابعاد	ضریب تأثیر	آماره p
امنیت نظامی	۰,۵۲۸	۰,۰۰۰
امنیت اقتصادی	۰,۵۹۹	۰,۰۰۰
امنیت فرهنگی	۰,۸۱۴	۰,۰۰۰
امنیت سیاسی	۰,۷۶۳	۰,۰۰۰
امنیت اجتماعی	۰,۷۵۳	۰,۰۰۰
امنیت جغرافیایی	۰,۶۴۵	۰,۰۰۰

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش:

دکترین ملی و نظامی در بستر حفظ اصول اسلام و انقلاب و استقلال نظام در هر سه سطح استراتژیک، عملیاتی و تاکتیکی، برای پیش‌بینی، کنترل و مقابله با طیف وسیع و هوشمند تهدیدات، تبدیل دفاع به هجوم در برابر بازیگران متخاصم که امنیت ملی را در سطوح ۶ گانه (فرهنگی- اجتماعی، اقتصادی، دفاعی- امنیتی، سیاسی، جغرافیایی و زیست‌محیطی) به مخاطره می‌اندازند و هزینه‌های اقتصادی، سیاسی و گاهی به ورطه سقوط کشاندن حکومت‌ها را به دنبال دارند؛ ضمن نظام‌مند و قانون‌مند کردن سیاست‌ها و راهبردهای همه بخش‌ها و سازمان‌ها (به دور از کلی‌گویی و شعارگویی)، همواره می‌بایست در تدوین و بازنگری برای تأمین یا پاسخگویی به مخاطرات انقلاب اسلامی به هنگام باشد. به عنوان مثال آمریکا به عنوان محور شرارت در سرتاسر گیتی، دکترین بر فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی و بهره‌برداری از پیشرفت‌های صورت گرفته در حوزه‌های هوش مصنوعی و خودمختاری دستگاه‌ها یا ماشین‌های خودمختار را در قالب سند راهبرد امنیت ملی برای قدرت افکنی در قرن ۲۱ به هنگام کرده و دیگر بخش‌ها را نیز در سطوح مربوطه همواره به هنگام نگه می‌دارد.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که به ترتیب ابعاد فرهنگی- اجتماعی، اقتصادی، دفاعی- امنیتی، سیاسی و جغرافیایی در برقراری امنیت پایدار در شهر آمل تأثیرگذار می‌باشند.

در ادامه بر اساس یافته‌های پژوهش باید گفت چنانچه هر کدام از کنشگران و بازیگران نظام (ملی، میانی و محلی) در جایگاه خود نقش خود را به خوبی ایفا نکنند، مسلماً تأثیرات سوء خود را بر روی امنیت پایدار دیگر مناطق و جغرافیای داخلی خواهند گذاشت که جبران آن از طرف مسئولین و بازیگران محلی شاید به صورت زودگذر در شهر یا منطقه مخصوص به خود زودگذر باشد؛ اما اثرات منفی خود را دارد و مسئولین محلی قادر به کنترل آن نیستند.

مسئله دیگر که این پژوهش در پاسخ به سؤال اصلی به آن پرداخته این است که در برقراری امنیت پایدار در شرایطی که تهدیدها و بحران‌ها امروزه در چندین حوزه (فرهنگی- اجتماعی، اقتصادی، دفاعی- امنیتی، سیاسی و جغرافیایی) و در چندین بعد (سخت، نیمه سخت و نرم) به صورت هم‌زمان و هوشمند توسط بازیگران مختلف در حال برنامه‌ریزی و اجراست؛ مقابله با ناامنی و تهدیدات و استفاده از قوه قهریه به عنوان یکی از عوامل تعدیل‌کننده در کنار سایر روش‌ها در زمان مناسب لحاظ شده و پیش‌بینی، شناسایی و چاره‌اندیشی راه‌حل‌های دستیابی به امنیت پایدار با استفاده از ابزار هوشمند در مقابل تهدیدات هوشمند امری غیرقابل اجتناب برای جلوگیری از تحمیل هزینه‌های ناخواسته به ساختار سیاسی است.



قدر مسلم این است که هرچه مشروعیت و مقبولیت نظام‌های سیاسی بین توده‌های مردم بالاتر باشد، پایداری و آستانه تحمل نظام‌های سیاسی در مقابل مشکلات و معضلات بالاتر و امنیت پایدارتری را شاهد خواهیم بود.

در همین راستا چنانچه بازیگران، مسئولین و کارکنان شهرستان آمل در وهله اول به نقش خود در ایجاد امنیت پایدار در تمامی ابعاد ۶ گانه اشراف همه‌جانبه نداشته و برنامه‌ریزی و اقدام مناسب برای رفع نیازها و دفع چالش‌ها و هم‌افزایی با دیگران نداشته و خود را در روزمرگی ادارات غرق کنند، چه بسا مسائل به ظاهر ساده و کوچک که برای توده مردم مهم است، در صورتی که به حال خود واگذاشته شود می‌توانند موجب افزایش شکاف مردم و نظام و در صورت دخالت بازیگران خارجی به موضوعات امنیتی تبدیل گردد.

در امنیت پایدار در این شهرستان باید توجه ویژه به این نکته داشت که از عوامل قدرت‌زایی (عواملی که حاکم با به‌کارگیری آن‌ها به نتایج موردنظر دست پیدا نماید) که در بسترهای انسانی و فرهنگی، اقتصادی، تاریخی و سیاسی شهرستان وجود دارد و عموماً مغفول مانده، ضمن برنامه‌مند و منسجم کردن آن‌ها در جهت رشد و تعالی و ثبات شهر آمل مورد بهره‌برداری قرار گرفته و اجازه استفاده از این عوامل را به عوامل مخل‌ناامنی نداد.

نتایج و یافته‌های این پژوهش در قرابتی آشکار تأیید کرد که راهبرد متخاصمانه دشمن و در رأس آن آمریکا با اولویت تأثیر بر دوگانه فرهنگ و اقتصاد با همه ابعاد و در تمامی سطوح، سبک و کیفیت زندگی مردم مسلمان را که عامل اصلی ثبات یا بی‌ثباتی امنیت و برهم زنده مشروعیت نظام و در نهایت تأمین اهداف دشمنان می‌داند، نشانه رفته است.

در ادبیات امنیتی، تهدیدات در قالب طیفی مشتمل بر تهدیدات نرم، تهدیدات نیمه سخت غیرمسلحانه، تهدیدات نیمه سخت مسلحانه و تهدیدات سخت تبیین می‌گردد؛ اما امروزه با توجه به اینکه خاستگاه اصلی امنیت ملی، داخلی است و اینکه کشوری مانند ایران که بزرگ‌ترین دستاورد آن در جریان انقلاب اسلامی فرهنگی بوده، طبیعی است که تمام برنامه‌ها، اهداف و راهبردهای دشمنان داخلی و خارجی برای برهم زدن ثبات فرهنگی کشور و به استحاله کشاندن آن با نگاه به برهم زدن امنیت پایدار و به طبع آن در پس ضربه‌های متعدد به سقوط کشاندن انقلابی باشد که مهم‌ترین دستاورد خود را فرهنگی می‌داند.

چنانچه به این مقوله مهم؛ مسائل و تحریم‌ها، تهدیدات و جنگ اقتصادی که در نهایت زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی مردم را نشانه گرفته اضافه شود و در پیش‌بینی، کنترل و مقابله با این

اقدامات مخرب هماهنگی و هم‌افزایی در اجرای دکترین ملی و نظامی مابین دستگاه‌های عالی، میانی و اجرایی وجود نداشته باشد؛ نه تنها نباید انتظار برقراری امنیت پایدار را داشته باشیم، بلکه باید خود را برای مقابله با اجتماعات، اغتشاش و شورش که هزینه‌های سنگینی برای ادامه ساختار سیاسی و مشروعیت نظام دارد؛ آماده نماییم.

بر اساس یافته‌های این پژوهش استدلال می‌شود که زیربنای امنیت پایدار در شهر در ابعادی چون فرهنگ اقتصاد، اقتدار نظامی و امنیتی، سیاست و جغرافیا نهفته است و بررسی عوامل به صورت جزئی با توجه به این ابعاد می‌تواند مشخصه‌های دقیق‌تری را به ارمغان آورد؛

بر اساس یافته‌های پژوهش باید گفت که بیشترین سطح تأثیر در میان ابعاد مدل مفهومی و بر اساس جدول رتبه‌بندی فریدمن امنیت فرهنگی با میانگین رتبه ۴/۵۲ اولین و امنیت اقتصادی با رتبه ۴/۲۱ دومین و سومین تأثیر را امنیت نظامی با رتبه ۴/۰۱ بر اساس نظرات پرسش‌شوندگان به خود اختصاص داده است؛

در تحلیل‌های آماری از ضرایب خطای استاندارد چولگی و کشیدگی با دامنه (+۲ و -۲) استفاده شده که نشان‌دهنده این است که توزیع نمرات مؤلفه‌های تحقیق نرمال است. در نتایج حاصل از چولگی و کشیدگی مؤلفه امنیت فرهنگی با چولگی ۶۳۴؛ و کشیدگی ۰۷۲؛ و مؤلفه امنیت اقتصادی با چولگی ۲۵۳؛ و کشیدگی ۰۵۱- است.

بر اساس نتایج جدول (۴-۶) با توجه به ضرایب چولگی و کشیدگی به دست آمده بین ۲- و ۲+ بنابراین توزیع نمرات مؤلفه‌های تحقیق نرمال است و باید از آزمون‌های پارامتریک استفاده کرد.

همچنین از آزمون کولموگروف اسمیرنوف هم با توجه به اینکه آزمون بین $1/96 + 1/96 -$ قرار گرفته است، می‌توان نتیجه گرفت که داده‌ها به صورت نرمال توزیع شده است.

برای مقایسه رتبه یا جایگاه عوامل مؤثر بر امنیت پایدار شهر آمل در حوزه امنیت فرهنگی از جدول رتبه‌بندی فریدمن استفاده شده و به ترتیب عامل سایبری (رسانه، فضای مجازی و ماهواره) و پشتیبانی و تقویت برنامه‌های ملی و مذهبی با ۴/۰۷ و ۵/۰۶ بالاترین اهمیت را در بین عوامل داشته‌اند.

در حوزه امنیت اقتصادی نیز عوامل مبارزه با رانت و فساد و افزایش دستمزد و کنترل تورم به ترتیب با ۳/۴۲ و ۴/۵ بالاترین اهمیت را در بین عوامل داشته‌اند.



نتیجه‌گیری و پیشنهاد:

نتیجه‌گیری:

در ارتباط با شناسایی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر امنیت پایدار برای آزمون فریدمن بالاترین و مهم‌ترین عوامل به ترتیب و تفسیر زیر به دست آمده است:

۱. عامل سایبری (رسانه، فضای مجازی و ماهواره)
 ۲. حمایت و توسعه فعالیت‌های فرهنگی و هنری ملی و مذهبی با مشارکت مردمی
 ۳. هویت فردی و جمعی (فرهنگ بیگانه و مهاجم در بی‌ثبات‌سازی هویت فرهنگی)
 ۴. متن و سبک زندگی مردم (ازدواج، خانواده، مسکن)
 ۵. نقش معلمان، اساتید، نخبگان در حفظ، توسعه، آسیب یا تهدید فرهنگی
 ۶. عوامل اجرایی و مدیریتی حوزه‌های علمیه، مساجد، هیئت‌های مذهبی و ادارات فرهنگی و تبلیغی
 ۷. کاهش محرومیت، توسعه عدالت و رفع نابرابری بین مناطق شهری
 ۸. ایجاد تعامل بین مجریان ادارات و نهادها با مردم
 ۹. سازوکار لازم برای پیگیری حقوق شهروندی
- عناصر تشکیل‌دهنده فرهنگ که شامل باورها و ارزش‌ها و رفتارها، آداب و رسوم اجتماعی، هنرها، دانش‌ها و هر چه که فرد به عنوان عضوی از جامعه خویش از نسل‌های گذشته و سیستم آموزشی و اجتماعی جامعه فرا می‌گیرد را شامل می‌شود.
- از آنجایی که نتایج این پژوهش هم نشان داد بیگانگان به دنبال تغییر فرهنگ و هویت مردم، ذهنیت‌ها، ارزش‌ها و باورها و اعتماد مردم به نظام هستند؛ تا شبکه‌های اجتماعی متشکل از افراد، گروه‌ها یا سازمان‌ها که با عواملی چون دوستی، خویشاوندی، مبادلات اقتصادی، مسائل اجتماعی، هنری و علمی به هم متصل شده‌اند و سنگ بنای اساس جامعه و سرمایه اجتماعی نظام می‌باشند را از اصول و ارزش‌هایی که جوهره اصلی انقلاب است دور نموده و یا در مقابل آن قرار دهند (ضد فرهنگ).
- نتایج این پژوهش تأیید نمود که در عصر انقلاب اطلاعات، موج پرقدرتی که ماهیت و ویژگی منازعات را تغییر داده و ابزار اصلی تهاجم دشمن برای نیل به اهداف با مختل کردن قاعده امنیت پایدار (یعنی امنیت فرهنگی) و بی‌تعادلی در انقلاب اسلامی است، عامل رسانه، فضای مجازی و جنگ سایبری است.

حاکمیت سایبری همانند هویت یک کشور قابل واگذاری به دیگران نیست؛ در صورت واگذاری حاکمیت سایبری و رسانه یا عدم ارائه خدمات مناسب، دولتمردان می‌بایست منتظر اختلال در روابط بین فردی و نهادها، شکاف بین نسل‌ها، تبدیل ارزش به ضد ارزش، نارضایتی گسترده و شدید باشند. در این خصوص با توجه به توانایی‌هایی غیرقابل انکار از طرف گروه‌های سایبری داخلی در حملات و عملیات‌های سایبری علیه کشورهای متخاصم، به نظر می‌رسد معضلات و مشکلات اجتماعی و فرهنگی ناشی از این ابزار و تغییر در نظام ارزش‌ها، در سطح جامعه به تردید تصمیم‌گیران و بازیگران سیاسی داخلی در کنترل، هدایت و برخورد با اطلاعات تهدیدکننده سلامت جامعه است.

از دیگر نتایج پژوهش در جهت برقراری امنیت پایدار و تأثیرگذاری امنیت فرهنگی و اجتماعی بر آن و مقابله با تهاجم فرهنگی و روانی صورت گرفته در شهرستان، گسترش پایداری و ترویج عرف‌های ملی و مذهبی، الگوهای فرهنگی و زبانی و همبستگی، مهندسی نظام‌مند و ارتباط منسجم لایه‌های مختلف فرهنگی، مشارکت همه ادارات و سازمان‌های دارای نقش در کنار عوامل قهریه و اعتماد به نهادهای فرهنگی، ملی و دینی موجود است.

از دیگر عوامل اجتماعی که بر امنیت پایدار در شهرستان تأثیر گذاشته بالا بودن نرخ طلاق و پایین بودن نرخ ازدواج و فرزندآوری، بی‌توجهی به هویت‌های طایفه‌ای و سرطایفه، توزیع مواد مخدر و مشروبات، افزایش بزه در سنین جوانان و نوجوانان و بالا رفتن فساد اخلاقی است. این عوامل موجب شده افراد، گروه‌ها و اجتماعات خانوادگی و صنفی و هویت آن‌ها که سنگ بنای شبکه‌های اجتماعی است، در معرض آسیب قرار گرفته و سرمایه اجتماعی شهرستان را کاهش دهد.

در ارتباط با شناسایی عوامل اقتصادی مؤثر بر امنیت پایدار برابر آزمون فریدمن بالاترین و مهم‌ترین عوامل به ترتیب و تفسیر زیر به دست آمده است:

۱. مبارزه قاطع و شفاف با فساد و رانت
۲. ثبات قیمت و همخوانی درآمد خانوار با هزینه‌ها
۳. ارائه تسهیلات بانکی کم‌بهره در حمایت از مشاغل خرد و خانگی
۴. ایجاد زمینه و زیرساخت اشتغال‌زایی متناسب با ظرفیت‌های سرزمینی
۵. ایجاد بستر ایمن و بی‌واسطه برای فروش محصولات کشاورزی

در امنیت اقتصادی در مرحله اول هدف سلامت اقتصادی است؛ به این معنی شرایط را در سطح شهرستان به کمک قوانین و روندهای شفاف، محکم و جامع تعیین کرد که افراد، گروه‌ها و طبقات اقتصادی در بهره‌گیری از ثمره فعالیت‌هایی که در زمینه تولید، توزیع و مصرف ثروت صورت می‌گیرد،



می‌بایست بدون ترس، ابهام یا تهدید از تعهدات و مطالبات خود بهره‌مند شده و رقابت اقتصادی به دور از هرگونه رانت باشد و از طرف دیگر مبارزه با فساد، جلوگیری از رانت و افزایش شفافیت به جد در سطح شهرستان توسط دستگاه‌های مسئول اقدام گردد.

در مرحله دوم، رشد اقتصادی مدنظر است؛ به این معنی که افزایش و توزیع درآمد شهروندان که منتهی به رفاه می‌شود تضمین شده و توسعه اقتصادی که خروجی رقابت اقتصادی سالم است، مدنظر باشد. توسعه برخی از بنگاه‌ها و شرکت‌های بزرگ در شهرستان علی‌رغم داشتن محاسن اقتصادی و کم نمودن تهدیدات امنیت اجتماعی؛ به نظر می‌رسد صحنه رقابت سالم برای توسعه شرکت‌ها و بنگاه‌ها و اصناف دیگر را با جذب منابع و حمایت‌های دولتی تحت شعاع قرار داده و گاه‌آ امنیت اقتصادی دیگر بنگاه‌ها را تهدید می‌نمایند.

از طرف دیگر همان‌طور که نتایج این پژوهش مشخص نمود، امنیت اقتصادی فرد و خانواده تنها به شرایط زیستی (دسترسی به نیازهای اولیه مادی، غذا، آب و سرپناه) محدود نمی‌شود؛ بلکه تأمین این امنیت حفظ سطح مشخصی از استاندارد زندگی (اشتغال متناسب با هویت و شخصیت، همخوانی دستمزد و هزینه، حفظ ارزش دارایی‌ها، ثبات کاری) را نیز شامل می‌شود.

فلذا با توجه به اینکه بیشترین قشر شهرستان از طبقه متوسط و پایین جامعه (اعم از کارمند، کشاورز، کارگر و اصناف) می‌باشند، مشکل اصلی خصوصاً در ۵ سال اخیر عدم همخوانی حقوق و دستمزد با هزینه‌های جاری و ضروری زندگی در شهرستان بوده و موجب شده امنیت اقتصادی و به تبع آن ضریب پایداری امنیت در این حوزه همچنان روند کاهشی داشته باشد.

از عوامل اقتصادی دیگر اثرگذار بر امنیت پایدار در شهرستان تعامل محیط اقتصاد کلان و سطح میانی (بنگاه‌ها و شرکت‌ها) است که موجب می‌شود سطح خرد اقتصادی که اثرات مستقیم بر اشتغال و افزایش درآمد خانوار دارد، دارای امنیت اقتصادی باشد.

کشورهایی همانند ایران که همواره در مواجهه با تحریم‌های کمرشکن کشورهای متخاصم هستند برای بالابردن امنیت اقتصادی در کنار همه روش‌های معمول، می‌بایست حمایت از مشاغل خرد را در سطوح مختلف مدیریتی به صورت جدی دنبال کنند.

در استان‌هایی همانند مازندران و شهرهایی همچون آمل که دارای زمینه‌های مناسب فرهنگی و اجتماعی، جغرافیایی و توسعه نسبی بنگاه‌ها و شرکت‌های متوسط می‌باشند؛ بهترین روش برای

بالا بردن ضریب امنیت اقتصادی و درآمد و رفاه خانوار، توسعه و حمایت از مشاغل خرد و تکمیل و باثبات‌سازی زنجیره تأمین، تولید، فروش است.

در همین راستا عدم فروش برنج در سال‌های اخیر به عنوان محصول راهبردی و تأثیرگذار در اقتصاد بیش از نیمی از خانوارهای شهرستان آمل به قیمت تمام‌شده و انبار شدن در انبارها آسیب جدی به امنیت اقتصادی مردم وارد نموده و گاهی با از دست رفتن بخش زیادی از دارایی مردم، موجبات ورشکستگی را فراهم آورده است.

در ارتباط با شناسایی عوامل دفاعی و امنیتی مؤثر بر امنیت پایدار برابر آزمون فریدمن بالاترین و مهم‌ترین عوامل به ترتیب و تفسیر زیر به دست آمده است:

۱. اشراف اطلاعاتی و حفاظت از آن با به کارگیری فن‌آوری‌های هوشمند
 ۲. جذب و به کارگیری نیروهای انقلابی، کارآمد و شجاع
 ۳. رصد مداوم و برخورد قاطع با عوامل برهم زننده امنیت
 ۴. هماهنگی دو و چند سویه دستگاه‌های انتظامی و قضایی در برخورد با عوامل برهم زننده امنیت
 ۵. در اختیار داشتن تجهیزات، تسلیحات و امکانات متناسب با تهدیدات
- امروزه امنیت دفاعی و نظامی نه به عنوان یک عامل مستقل بلکه به عنوان یک عامل مکمل و تکمیل‌کننده دیگر عوامل امنیتی موجبات ایجاد، حفظ یا توسعه امنیت پایدار لحاظ می‌گردد. توجه یک‌جانبه به استفاده از عوامل نظامی و قهرآمیز بدون توجه به دیگر عوامل اثرگذار بر امنیت پایدار می‌تواند نتایج و حوادث غیرقابل جبرانی را به دنبال داشته باشد.

کسب خبر و اطلاعات در حوزه‌های گوناگون (فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی، امنیتی، سیاسی و زیست محیطی) به عنوان مبدأ و مرکز فرآیند تصمیم‌گیری برای اقدام و به کارگیری عوامل نظامی و امنیتی در جهت برقراری امنیت پایدار از ملزومات و ضروریات در جهت رفع یا کنترل مخاطرات و تهدیدات متنوعی است که آرامش و حقوق فردی و جمعی را برهم می‌زند.

امروزه با گسترش جوامع و پیچیدگی‌های اجتماعی در کنار نقش سرویس‌های بیگانه، به دست آوردن اطلاعات به موقع، مستند و مفید تنها با به کارگیری روش‌های سنتی امکان‌پذیر نبوده و قوای انتظامی، نظامی و امنیتی در تقسیم کار شفاف و قانونمند با مجهز شدن به ابزارهای هوشمند می‌بایست به این مهم بپردازند.



نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اشراف اطلاعاتی عوامل نظامی و امنیتی و حفاظت از داده‌ها با فن‌آوری‌های هوشمند از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر امنیت نظامی و امنیتی در شهرستان است؛ که می‌بایست توجه جدی‌تر به این مقوله داشته و در جهت رفع کاستی‌ها متولیان امر اقدام نمایند.

امنیت عمومی نیز که معطوف به حقوق و حدود قانونی شهروندان، نظم و انضباط در مناسبات اجتماعی، حفظ منافع و ارزش‌های جمعی، استیفای حقوق مردم، مقابله با هرگونه اقدام مخل امنیت، راهنمایی و رانندگی است؛ برعهده ناجا است.

در برقراری امنیت عمومی می‌بایست از کارکنان اداری سازمان قدرت که در تعامل با مردم‌اند؛ به جد محافظت و مراقبت نمود؛ علاوه بر آن روابط و ارتباطات گوناگون مابین اشخاص، گروه‌ها، اصناف و... در سطح شهر باید تحت نظارت عوامل انتظامی و امنیت به گونه‌ای باشد که ضمن حفظ حق حکومت در برقراری امنیت، به آزادی‌های فردی متعرض نشود.

درواقع همان‌طور که نتایج این پژوهش نشان داد برای برقراری امنیت عمومی که سنگ بنای امنیت نظامی و امنیتی در شهرها و امورات داخلی کشور است؛ چنانچه به این پنج مورد توجه جدی برای رفع و یا بهبود موارد ذکر شده نشود، شاهد پایین آمدن ضریب امنیت عمومی و نظامی خواهیم بود:

اول: جذب، آموزش و نظارت بر عملکرد پلیس در طراز انقلاب اسلامی.

دوم: تأمین حقوق و مزایای مکفی و با ثبات برای عوامل مجری امنیت عمومی.

سوم: تأمین ابزار، تجهیزات و تسلیحات و بودجه مکفی اداره سازمان هرکلانتری و اداره.

چهارم: قدرت بخشی، اعتماد و دادن آزادی انتخاب قانونی، برای کنترل و اقدام در وضعیت‌های گوناگون به پلیس.

پنجم: اقدامات هم‌زمان، تکمیلی و محکم توسط دیگر دستگاه‌ها و قوه قضاییه در برخورد با مجرمین و عدم حمایت عناصر نشان‌دار توسط عوامل سیاسی شهرستان.

ششم: همدلی و هم‌پوشانی بیشتر قوای نظامی و امنیتی و قضایی شهرستان.

در ارتباط با شناسایی عوامل سیاسی مؤثر بر امنیت پایدار برابر آزمون فریدمن بالاترین و مهم‌ترین عوامل به ترتیب و تفسیر زیر به دست آمده است:

۱. بالابردن سطح آگاهی مردم از دستاوردها و اهداف انقلاب اسلامی
۲. کارآمدی و ناکارآمدی در حوزه اداری و کفایت و کاردانی کارکنان دولت
۳. انتصاب و تعیین روسای ادارات شهرستان در مجاری اداری و قانونی

۴. کنترل، جلوگیری و کاهش چهره‌های رادیکال و معاند در اجتماعات
 ۵. ساختار سیاسی، حدود و اختیارات شورای تأمین و قدرت نفوذ
- بیگانگان به عنوان بازیگران متخاصم اصلی و مسئولین بی‌کفایت و بعضاً معاند به عنوان بازیگران داخلی به دنبال تغییر ذهنیت‌ها، باورها و اعتماد مردم به حکومت و از بین بردن مشروعیت نظام و مخدوش کردن دستاوردهای نظام با هدف نابودی اصلی‌ترین عامل مقاومت و مقابله با تحرکات بیگانگان و بازیگران خارجی یعنی مقبولیت و همراهی مردم با نظام و رهبران سیاسی می‌باشند.
- امروزه حفظ امنیت سیاسی از راه افزایش قدرت ملی در سطوح مختلف و ایجاد توازن عوامل تشکیل‌دهنده آن میسر است و چنانچه افزایش یکی از این عوامل اگر متناسب با دیگر عوامل نباشد، می‌تواند موجب تهدید امنیت شود.
- همان‌طور که نتایج این پژوهش نشان داد از جمله عوامل اصلی برهم زننده ثبات و مشروعیت امنیت سیاسی در شهرستان، استفاده از ابزار تبلیغاتی و رسانه‌ای در ناکارآمد جلوه دادن حکومت و عوامل آن در حل مشکلات مردم و سیاه‌نمایی در خصوص خدمات و توسعه صورت گرفته شهرستان در بستر بی‌عدالتی و بوروکراسی برخی از ادارات پررفت‌وآمد شهری است.
- به برکت انقلاب اسلامی زمینه مشارکت و ابراز نظر و عقیده از سوی مردم در نشست‌ها، اجتماعات و انتخابات فراهم شده است؛ اما یکی از عوامل اصلی که موجب نارضایتی سیاسی و پایین آمدن مشارکت سیاسی در سال‌های اخیر در شهرستان شده، انتصابات خارج از عرف و سفارشی، عدم توجه به نخبگان و ظرفیت‌ها بومی در عرصه‌های مدیریتی شهرستان و به تبع آن حاضر نشدن مسئولین در جمع مردم و اجتماعات عمومی و دانشگاهی برای پاسخگویی به شبهات و دفاع از عملکرد و بالابردن آگاهی مردم است.
- یکی دیگر از عوامل مؤثر بر امنیت سیاسی و به تبع آن امنیت پایدار شهرستان که مسئولین امر توجه ویژه به آن باید داشته باشند، قضاوت مردمی و اجتماعی از موضوعات و مسائل گوناگون و همراهی آنان با مدیران و مسئولین است. قضاوت‌های احساسی توده مردم از نظام سیاسی، اداری و قضایی، مشروعیت را در برخی توده‌ها دچار آسیب کرده و موجب کم شدن سرمایه اجتماعی شده است. برای برپایی امنیت پایدار باید کاری کرد، قضاوت توده‌های مردمی در عرصه‌های مختلف به نفع نظام باشد، با دادن استقلال عمل به حوزه دولت و نظام اداری و سیاسی و حوزه مردم (ثمن‌ها، تشکل‌ها، احزاب و گروه‌ها) است که می‌توان به حمایت و پشتیبانی مردم در لحظات بحرانی امید داشت و مشارکت‌ها را بالا برد.



مسئولین اداری، سیاسی، نظامی و قضایی می‌بایست با دادن شخصیت حقوقی و مستقل به مردم، باید همواره مردم و نظام حاکم را در یک جبهه نگه داشت و اجازه رشد تفکرات و تلاش‌های فتنه‌انگیز در جامعه و در میان مردم را به بیگانگان نداد.

باید گفت که در ارتباط با شناسایی عوامل جغرافیایی و زیست‌محیطی مؤثر بر امنیت پایدار برابر آزمون فریدمن بالاترین و مهم‌ترین عوامل به ترتیب و تفسیر زیر به دست آمده است:

۱. قطع درختان و تخریب جنگل
 ۲. دیپوی غیراصولی زباله آمل و شهرهای بالادست در بالادست هراز
 ۳. برخورد قاطع با تعرض‌کنندگان به منابع طبیعی و زیستی
 ۴. مهاجرت و خوش‌نشینی و تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی
 ۵. بهره‌برداری غیراصولی از معادن
- امروزه چنانچه مسئولین شهری سیاست‌ها و ملاحظات امنیتی را برای کنترل و بهبود اوضاع جغرافیایی بدون پیوست فنی و علمی اعمال ننمایند، چه بسا در آینده نزدیک با مشکل امنیتی جدی‌تر با هزینه‌های بیشتر در همان حوزه مواجه شوند.

نتایج این پژوهش نشان داد که برای حفظ ثبات امنیت جغرافیایی و زیست‌محیطی می‌بایست برداشت بی‌رویه جنگل‌ها و تغییر پوشش گیاهی و برداشت بی‌رویه معادن و حفر چاه‌های غیرمجاز به عنوان سه عامل اصلی برهم زنده امنیت جغرافیایی و زیستی که خود تبعات متعددی برای زندگی سالم فراهم می‌کند، مدنظر باشد. در چند سال اخیر شهرهای شمالی شاهد کوچ و خوش‌نشینی خانوارهای زیادی از استان‌های کشور به استان مازندران خصوصاً شهرستان آمل می‌باشند. با توجه به عدم ایجاد زیرساخت مناسب در حوزه‌های آب برق و گاز و عدم کنترل و نظارت جدی در یک دهه گذشته برای جلوگیری از کاربری زمین‌های کشاورزی برنج و جنگل‌ها، شاهد عدم تعادل و کمبود منابع و تغییر شکل زمین‌ها هستیم که می‌توانید زمینه مشکلات امنیتی و تجمعات را در آینده به وجود آورد.

پیشنهاد:

الف - در بعد فرهنگی - اجتماعی:

۱. امام جمعه شهر به عنوان نماینده ولی فقیه در شهر اسلامی و شیعی، روح شهر و دارا بودن مسئولیت قانونی فرمانده فرهنگی و مطالبه‌گری در حوزه‌های مختلف می‌تواند نقش بی‌بدیلی را در امنیت پایدار با افزایش سطح اتکای امنیت از طریق مردمی کردن امنیت، مبتنی بر مشارکت

نهادینه شده و کم کردن فاصله مردم بین ولایت مطلقه فقیه (به عنوان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین منبع و مرکز تولیدکننده قدرت ملی و ثبات) با به‌کارگیری همه ظرفیت‌ها در جغرافیای مشخص ایفا نماید. براین اساس پایان‌ناپذیری قدرت در قالب آگاهی‌های اجتماعی، مبتنی بر پارادایم تشیع، رازامنیت پایدار مردمی است؛ بنابراین، آگاهی بخشی، الهام بخشی و افزایش بصیرت بر اساس تدبیر، حکمت، الهام و اندیشه، از کلیدی‌ترین محورهای افزایش سطح اتکای امنیت است. در این راستا با تشکیل گروه‌ها و جمعیت‌های دینی انقلابی و مردمی (اعم از روحانی، وابستگان به انقلاب و نظام) به صورت سیستماتیک و برنامه‌ریزی شده، نه تنها از شکل‌گیری دوقطبی‌های دشمن خواسته جلوگیری می‌کند، بلکه به افزایش سرمایه اجتماعی شهرک‌مک شایانی می‌کند.

۲. امام جمعه، فرمانده ناحیه و دیگر مسئولین شهری می‌بایست با نشست‌های بی‌واسطه و حضور در بین اقشار مختلف مردم و جوانان و دانشگاهیان (حتی گروه‌های غیر همسو) با پاسخگویی به دغدغه‌ها، شبهات و روشنگری با زبان صادقانه، دفاع بدون ترس و مستند از عملکرد انقلاب و نظام و اذعان به کمبودها و کاستی‌ها برآذهان عمومی و مدیریت افکار و قضاوت‌های مردمی تأثیر بگذارند.

۳. مساجد و پایگاه‌های مردمی به عنوان نخستین، اصلی‌ترین و مهم‌ترین سنگر ارتباط و تقویت دوسویه بین مردم و نظام اسلامی و رسیدگی به مشکلات اجتماعی و روانی و اجرای برنامه‌های فرهنگی و تشکیل گروه‌های اجتماعی همسوی داوطلب برای حل مشکلات و معضلات، دستگاه‌های متولی من‌الجمله دفتر امام جمعه، ناحیه مقاومت، اداره اوقاف، سازمان تبلیغات اسلامی و اداره فرهنگ و ارشاد می‌بایست در مدیریت و فرماندهی این دو مجموعه با حضور افراد متدین، آگاه، انقلابی و به روز و پشتیبانی فنی و مالی توجه جدی و مداخله مثبت داشته تا از آسیب‌های بیشتر که به دلیل اختلافات مدیریتی در بسیاری از مساجد است همانند سال‌های اول انقلاب به عنوان سنگر نظام و مردم در افزایش مشروعیت نقش جدی ایفا نماید.

۴. توجه جدی به نخبگان فرهنگی و اجتماعی در حوزه‌های کلام، تاریخ، تئاتر، فیلم، شعر و موسیقی سنتی توسط اداره ارشاد، آموزش و پرورش، تبلیغات اسلامی و ناحیه مقاومت با برنامه‌ریزی و اعتماد به آنها برای اجرا و ترویج برنامه‌های همسو با فرهنگ ملی و مذهبی و انقلابی برای اقشار مختلف مردم با هدف حفظ هویت دینی، ملی و اخلاقی.

۵. به‌کارگیری متخصصان و گروه‌های رسانه و فضای مجازی برای آموزش و پاسخگویی به نیازهای سایبری و فضای مجازی با حضور در مدارس و دانشگاه‌ها و تجمعات.



۶. اجرا و تقویت برنامه‌ها و مراسمات خانواده محور توسط سازمان فرهنگی شهرداری در نقاط مختلف شهرستان با هدف بالابردن سطح دانایی و ارتباط و کنترل فرزندان، توانمند نمودن خانواده‌ها برای حل چالش‌های اخلاقی، سیاسی و دینی در کنار برنامه‌های جذاب و متنوع.

۷. فضای فرهنگی و روانی جامعه به دلیل مسائلی مانند بی‌حجابی و بد حجابی، سگ‌گردانی، دسترس بودن مشروبات و مواد مخدر و سلاح سرد و مسائلی از این دست چنانچه به طور مستمر علل و عوامل وجودی یا افزایشی آن رصد، کنترل و تعدیل نشود؛ شاهد سرخوردگی، ناامیدی، افزایش بزه اجتماعی و گسست خانواده‌ها و از دست رفتن هویت بخشی از جامعه خواهیم بود که همواره در صورت شکل‌گیری هرگونه تجمعات اعتراضی با هر هدفی آن را تقویت خواهند نمود.

ب - بعد اقتصادی:

۱. حمایت و تقویت از کشاورزان برنج با افزایش سرانه کود مورد نیاز، وام کم بهره خرید ماشین‌آلات کشاورزی برای مکانیزه کردن و خرید تضمینی برنج همانند گندم و آموزش و ترویج کاشت محصولات سازگار در نیمه دوم سال توسط متولیان امر.
۲. ظرفیت‌سازی و ترویج اقتصاد برای خانواده تولیدکننده و توجه به صرفه جویی اقتصادی با تکیه بر اقتصاد مولد و پایدار بین مردم و آموزش روستاییان برای تهیه و تولید مواد غذایی و افزایش درآمد خانوار.
۳. با توجه به ظرفیت‌های انسانی و علمی و زمینه مناسب برای ایجاد شهرک شرکت‌های دانش بنیان با رویکرد مدیریت نخبگان استان و ایجاد زنجیره تولیدات دانش محور.
۴. ایجاد بازارچه‌های شهری با هدف فروش محصولات خانگی، سنتی و فرهنگی و سوغات شمال

ج - بعد سیاسی:

۱. انتصاب مدیران بومی به دلیل اشراف به مشکلات و منابع برای حل مسائل و انگیزه مضاعف که دارای شایستگی لازم هستند در کنار عدم دخالت مدیران بالادستی در انتصاب خارج از ضوابط.
۲. مشارکت دادن گروه‌ها، اقشار، ثمن‌ها و احزاب برای کمک و مشورت در حل چالش‌ها و تهدیدات شهرستان در حوزه‌های تخصصی و نشست با نخبگان شهرستان هر گروه و قشر با مرکزیت فرمانداری.
۳. نظارت بر عملکرد مدیران و دستگاه‌ها، برخورد با روابط و سوءاستفاده از عناوین و شفاف‌سازی عملکرد و گزارش دهی بدون واسطه بر مبنای مستندات به مردم شهرستان.

د- بعدی دفاعی-امنیتی:

۱. افزایش اقتدار و حمایت قضایی و قانونی از پلیس در برخورد با عوامل برهم زننده امنیت.

۲. آموزش و به‌کارگیری پلیس تخصصی در مواجهه با هر طیف از تهدیدات، به این معنی که جنس برخورد پلیس با جرائم فرهنگی و بی‌حجابی متفاوت از جرائم خشن یا جرائم اقتصادی است. فلذا جای خالی پلیس فرهنگی، اقتصادی یا سیاسی و... در مواجهه با جرائم برای کمترین آسیب به امنیت پایدار حس می‌شود.
۳. تأمین بودجه و امکانات موردنیاز کلانتری‌ها برای اداره سازمان جاری، در جهت خشکاندن زمینه‌های فساد و جلوگیری از جولان قانون‌گريزان؛ برای برقراری عدالت در جامعه و اعتماد توده مردم به پلیس به عنوان ملجاء و مأمن امنیت عمومی ضروری به نظر می‌رسد.
۴. نشست‌های مداوم و صمیمانه دستگاه‌های نظامی، بسیج، نیروی انتظامی، امنیتی و قضایی برای هم‌افزایی در جهت برقراری و استمرار امنیت پایدار.
۵. لزوم اشراف و کنترل مهاجرین افغان و مهاجرین جنوب شرق کشور به شهرستان به عنوان نیروی کار.

هـ- بعد جغرافیایی:

۱. مدیریت و کنترل مهاجرین از دیگر استان‌ها به شهرستان و توجه به توسعه منابع آب و برق و گاز.
 ۲. برخورد قاطع و شفاف با متعرضان به جنگل‌ها، مراتع و محیط زیست.
 ۳. تصمیم‌گیری قاطع و پذیرفتن مسئولیت برخی معایب توسط مسئولین امر در خصوص اجرای پروژه دفع و امحاء اصولی زباله شهرستان.
 ۴. جلوگیری از توسعه برداشت غیر اصولی معادن و لزوم نظارت و کنترل بر معادنی که برابر اصول محیط زیستی برداشت نمی‌کنند.
 ۵. لزوم کنترل و برخورد با عوامل کشاورز که پس از برداشت برنج اقدام به سوزاندن باقی‌مانده کاه یا حفر چاه‌های غیر مجاز می‌نمایند.
- استفاده از ظرفیت‌های مردمی در کنار محافظان محیط زیست به عنوان پاسدار محیط زیست در جهت حفظ و نگهداری از منافع حیاتی شهروندان با موضوعات، تعرض‌کنندگان به منابع طبیعی و عمومی و تاریخی، تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی، حفر چاه‌های غیر مجاز و موضوعات از دست که در تغییر منابع و شکل جغرافیایی شهرستان اثرگذار است.



فهرست منابع:

الف - کتاب

۱. آیت الله العظمی حضرت امام خمینی رحمته الله (۱۳۷۴-۱۳۷۰). صحیفه نور: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲. آیت الله العظمی حضرت امام خامنه‌ای رحمته الله (۱۳۹۸-۱۳۸۲). سخنرانی‌ها و بیانات دسترس در www.khamenei.ir.
۳. خانی، عبدالله (۱۳۸۹). نظریه‌های امنیت. تهران: ابرار معاصر ایران.
۴. ماندل، رابرت (۱۳۷۹). چهره متغیر امنیت ملی. چاپ دوم، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۵. تاجیک، محمد رضا (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر استراتژی امنیت ملی ج. ا. ا. مرکز بررسی‌های استراتژیک، تهران.
۶. بوزان، باری (۱۳۷۹). مردم، دولت‌ها و هراس‌ها. مترجم ناشر، پژوهشکده مطالعات راهبردی تهران.
۷. بوزان، باری. ویور، ا. دووید، باب (۱۳۸۶). چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت. ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۸. امیدوارنیا، محمد جواد (۱۳۸۱). امنیت در قرن بیست و یکم. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل تهران.
۹. روشندل، جلیل (۱۳۸۷). امنیت ملی و نظام بین‌الملل. تهران: سمت.
۱۰. حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپولوتیک. چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۱. زرقانی، سید هانی (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر قدرت ملی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۲. شعبانی، ناصر. دهقان، ی (۱۳۹۴). محیط‌شناسی امنیتی - انتظامی استان سیستان و بلوچستان. انتشارات راه فردا، ناجی نشر.
۱۳. قاسمی، فرهاد (۱۳۹۱). اصول و روابط بین‌الملل. تهران: انتشارات میزان.
۱۴. قوام، سید عبدالعلی (۱۳۹۲). روابط بین‌الملل: نظریه و رویکردها. تهران: انتشارات سمت.
۱۵. احمدی، حمید (۱۴۰۲). قومیت و قوم‌گرایی در ایران. تهران: نشر نی.

ب - مقاله

۱. سیف، الله مراد (۱۳۸۹). مفهوم‌شناسی امنیت اقتصادی. آفاق امنیت،
۲. بداخشان، مهدی (۱۳۹۸). امنیت پایدار در حکمرانی.
۳. شایگان، فریبا (۱۳۹۱). امنیت پایدار از نگاه مقام معظم رهبری. آفاق امنیت، دوره ۵، شماره ۱۴.
۴. قیصری، نورالله (۱۳۹۲). امنیت پایدار نظام جمهوری اسلامی ایران: الگویی برای تبیین و اجرای سیاست‌های کلان.
۵. ساعی، احمد. معصومی، مجید (۱۳۹۸). استراتژی تروریسم امنیت دولت و امنیت فردی.
۶. احمدی، محمد عرب و همکاران (۱۳۹۴). مطالعه و بررسی حقوق شهروندی در قانون اساسی ایران. نخستین کنفرانس سراسری پژوهش‌های نوین در حقوق و علوم اجتماعی

۷. اطاعت، جواد. موسوی، سیده زهرا (۱۳۹۰). رابطه متقابل امنیت ناحیه‌ای و توسعه‌یافتگی فضاهاى سیاسى با تأکید بر سیستان و بلوچستان. *فصلنامه بین‌المللى ژئوپلیتیک*، ۷(۲۱)، ۷۰-۸۷.
۸. حسینی، سید محمد. دهشیری، محمد رضا. حسینی، سید مصطفی. شیراوند، صادم (۱۳۹۵). تأثیر امنیت منطقه‌ای بر رفتار شناختی مجموعه‌های امنیتی مناطق
۹. رشیدزاده، فتح‌الله. علیزاده، محمد جواد (۱۳۹۴). دكترین اهداف و سیاست‌های امنیت نظامی ج.ا.ا بر اساس گفتمان ولایت فقیه، قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام.
۱۰. ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۹۳). بررسی مقایسه‌ای مفهوم امنیت در مکاتب متأخر امنیتی. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۱۷(۶۶)، ۷-۳۰.
۱۱. افتخاری، اصغر (۱۳۸۴). استراتژی امنیت ملی ج.ا.ا. چارچوبی روشن شناسانه. *فصلنامه مطالعات امنیتی دفاعی*، سال یازدهم، ش ۳۸.
۱۲. حافظ‌نیا، محمد رضا (۱۳۷۹). تعریفی نواز ژئوپولتیک. *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*
۱۳. توسلی، غلام عباس. نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۸۳). واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۵(۲)، ۳۲-۶۲.
۱۴. ره‌پیک، سیامک (۱۳۸۷). نظریه امنیت جمهوری اسلامی ایران. تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
۱۵. سیف، الله مراد (۱۳۹۱). راهبردهای اقتصادی امنیت پایدار، *فصلنامه آفاق امنیت*، سال پنجم، شماره چهاردهم.
۱۶. قیصری، نورالله (۱۳۹۳). مکاتب امنیتی، *فصلنامه آفاق امنیت*، سال هفتم شماره ۲۲.
۱۷. سرور، رحیم و همکاران (۱۳۹۳). بررسی شاخص‌های توسعه در مناطق مرزی راستای امنیت پایدار، *فصلنامه جغرافیایی انتظامی*، سال دوم شماره یکم.
۱۸. قیصری، نورالله. حسینی. سید مهدی (۱۳۹۲). ابعاد و شاخص‌های امنیت پایدار مبتنی بر مدل مهندسی همگرایی ملی. *آفاق امنیت*، دوره ۶.